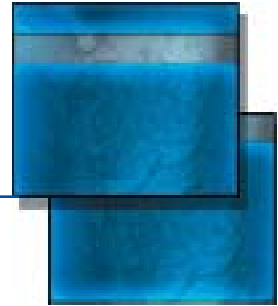


مختصری درباره‌ی پیدایش کمونیسم در عراق

احمد معین



نظر اجتماعی و هم از نظر سیاسی و هم چنین دیدگاه‌های درون این طبقه، وضعیت جنبش و جناح‌های درون طبقه‌ی بورژوازی، نقاط ضعف و قوت طبقه‌ی کارگر و بسیاری مسایل دیگر، همان گونه که خود در جهان واقع وجود دارند، بدون روتوش و بدون ایده آل‌یزه کردن‌شان، نقطه‌ی عزیمت و یک شرط اصلی برای هر سازمان و نیروی کمونیستی‌ای می‌باشد که بخواهد در راستای مقاصد نهایی طبقه‌ی کارگر و در سایه‌ی افق کمونیسم، مبارزه‌ی سیاسی را آغاز کند.

شناخت هر پدیده‌ای از دیدگاه مارکسیسم، شرط مقدماتی برای تغییرانقلابی آن می‌باشد. پراتیکی که به تغییر کامل وضعیت جامعه عزم جزم کرده است، اگر بر تحلیلی روشن تکیه زده باشد، به ناگزیر پراتیکی کور و امپریستی متکی خواهد شد؛ حال، نیت و قصد دارنده و حامل آن هر چه می‌خواهد باشد. این جمله‌ی فوق بدون تردید بر فعالیت کمونیست‌های کردستان عراق قابل تطبیق می‌باشد.

پس از پشت سر گذاشتن تاریخچه‌ی سی ساله مملو از فراز و نشیب و تغییر و تحول، کمونیست‌های کردستان عراق هنوز غرامت بسیار گرانبهایی در ازای غیاب یک دیدگاه تحلیلی مارکسیستی در خصوص جامعه‌ی سرمایه داری عراق و موقعیت و نقش طبقه‌ی کارگر در آن را می‌پردازند.

همان گونه که پیش‌تر گفتیم، سنجش و تدقیق تاریخی انکشاف و رشد و تکوین مراحل کمونیسم در عراق و هم چنین تسلط سوسیالیسم بورژوازی بر آن، دلایل و ریشه‌های این پدیده از دیدگاه

عراق و یک جریان مشخص چپ ایرانی (منظور کمونیسم کارگری است) و دیدگاه‌های این جریان، سایه‌ی خود را بر روی مساله‌ی فوق افکنده است. من در این جا به نقاط عطف و پیشینه‌ی ارتباطی‌یی که میان جنبش کمونیستی در کردستان عراق و یکی از جناح‌های موسوم به خط سه در جنبش کمونیستی ایران - که آغاز آن به پس از انقلاب ۱۳۵۷ باز می‌گردد - رجوع نمی‌کنم و این ارتباط را در کلیه‌ی زمینه‌های مرتبط با آن ارزیابی نمی‌نمایم. اما ماهیت این ارتباط چه آن هنگام و چه بعدها و هم چنین ارتباط کنونی میان دو جناح کمونیسم کارگری عراق و ایران نه بر اساس نمایندگی منافع، افق، اهداف و عمل کرد طبقه‌ی کارگر و تفاعلات کمونیسم در چهارچوب اجتماعی در هر دوی این کشورها، بلکه کاملاً بر اساس اشتراک در یک تفکر و دیدگاه مشخص بوده است. این، اشکال اصلی آن ارتباط بوده است.

سنجش و تدقیق تاریخی انکشاف و رشد و تکوین مراحل کمونیسم در عراق و هم چنین تسلط سوسیالیسم بورژوازی بر آن - که در یک مقطع تاریخی طولانی، حزب شیوعی عراق آن را نمایندگی می‌کرد - دلایل و ریشه‌های آن از یک منظر عینی و مارکسیستی و بر اساس منافع طبقه‌ی کارگر و تلاش و امیدهای این طبقه برای رهایی از تمامی شیوه‌های استثمار سرمایه داری، وظیفه‌ای است که در عراق مطلقاً انجام نشده است.

وجود دیدگاهی دقیق و روشن در مورد جامعه‌ی سرمایه داری عراق، مکان و پایگاه طبقات اجتماعی در آن، وضعیت عمومی طبقه‌ی کارگر، هم از

بسیاری اوقات که با فعالان جنبش کارگری و کمونیستی ایران درباره‌ی سابقه‌ی تاریخی و وضعیت واقعی کمونیسم در عراق صحبت و گفت و گو داشته و در مورد نقاط ضعف و قوت آن، معضلات و مشکلات و بسیاری دیگر از جوانب مرتبط با این مساله بحث کرده‌ام، این احساس را داشته‌ام که کمبود بزرگی در این باره وجود دارد. به نظر من، منشاء این کمبود آن است که اغلب این فعالین - که نگران و پیگیر آینده‌ی طبقه‌ی کارگر و کمونیسم در عراق هستند - به آگاهی لازم و ماتریال عینی و مادی مشخصی در این باره دسترسی ندارند، که به آن رجوع کرده و برای تحلیل و استنتاج از آن استفاده نمایند. این کمبود به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر منجر به تصورات ذهنی و من در آوردی و دل‌بخواهی نزد این افراد می‌شود و یا باعث می‌گردد، که آن‌ها استنتاجات و احکام سیاسی غالب خود را سرمنشاء یافتن ریشه‌های عینی این مسایل قرار می‌دهند.

اما از این ناگوارتر آن که، بخش عمده‌ای از فعالین کمونیستی عراق نیز با همین نارسایی دست به گریبان هستند. به گفته‌ی دیگر، آن‌ها نیز به جای تکیه بر واقعیات مادی و کنکرت جامعه‌ی عراق، پیدایش و رشد، و موانع و معضلات، و اوج و حضيض کمونیسم در رابطه با پدیده‌ی ویژه و مشخصی که جامعه‌ی سرمایه داری عراق است، به ناگزیر دست به دامان چنان احکام سیاسی و ایدئولوژیکی‌یی می‌شوند که از پیش برای مقاصد سیاسی حزب و گروهی خاصی تعیین شده‌اند.

در این مقدمه لازم است این نکته را نیز خاطر نشان کنم، که ارتباط کمونیست‌های

مارکسیستی و بر اساس منافع طبقه‌ی کارگر و تلاش و امیدهای این طبقه برای رهایی از تمامی شیوه‌های استثمار سرمایه داری، مساله‌ای بس مهم است که به هیچ وجه از سوی کمونیست‌های عراق صورت نگرفته است. یکی از جریاناتی که در طی پانزده بیست سال گذشته ادعای کنترل کمونیسم در عراق را داشته است، جریان کمونیسم کارگری بوده است. این جریان بر خلاف گفته‌های خود قادر به انجام هیچ گونه کار تئوریک، فکری یا سیاسی نشده و ریشه‌های سیاسی، تاریخی و مدرن جنبش کمونیستی در عراق را مورد تحلیل و بررسی قرار نداده است. هیچ کدام از جوانب پیدایش و تکوین و حیات طبقاتی کارگران و جامعه‌ی سرمایه داری عراق و مسایل گوناگون مرتبط با آن از سوی این جریان مورد بازبینی و تحلیل قرار نگرفته و هیچ یک از گره‌های کمونیسم از جانب این جریان باز نشده است.

افشای ماهیت طبقاتی این جنبش و افکار و دیدگاه‌های آن، که در میان کارگران و مردم عراق موسوم به کمونیسم هستند، یک پیش شرط مهم در حیثه‌ی تئوری و سیاسی جهت گسترش و تقویت کمونیسم مارکس در طبقه‌ی کارگر و نهایتاً

آماده سازی این طبقه در چهارچوب یک جنبش سیاسی توده‌ای مستقل است.

ظهور کمونیسم در عراق

قبل از این که طبقه‌ی کارگر به مثابه نتیجه‌ی انکشاف و مسلط شدن مناسبات تولیدی سرمایه داری در عراق پا به عرصه وجود بگذارد، کمونیسم همانند تفکر و جریانی سیاسی در سطحی مشخص شناخته شده بود. البته آشکار است، که روایت و تفسیری که درباره‌ی کمونیسم اشاعه داده می‌شد، حتا از سوی هوادارانش هم بسیار عمومی و غامض و گنگ بود.

راه‌های ورود تفکرات کمونیستی به عراق در این مرحله‌ی تاریخی، که عموماً به ابتدای قرن بیستم باز می‌گردد، چند کانال بودند:

- اول: سپاه بزرگی متشکل از مردم عراق، که عثمانی‌ها با اعمال زور آن را به وجود آورده بودند و به ویژه در جنگ جهانی اول به جبهه‌های جنگ در آناتولی و قفقاز اعزام شده بودند.

وقتی که ارتش عثمانی با شکست روبرو شد، سربازان عراقی این ارتش را ترک کرده و به محل زندگی خود باز گشتند. حتا قبل از شکست ارتش عثمانی و از هم پاشیدن آن، سربازان عراقی صفوف عثمانی‌ها را ترک و به عراق فرار کردند. بسیاری از این سربازان اخبار کشورهای اروپایی و روسیه و نارضایتی سوسیالیست‌ها و مطالبات و اهداف آن‌ها را شنیده و در بازگشت به عراق به منبعی برای بازگویی و در واقع، انتقال تفکرات کمونیستی مبدل شدند.



- دوم: تفکرات برابری طلبانه و سوسیالیستی در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم به مصر و لبنان رسید و پیوندهای تاریخی و فرهنگی عراق با این کشورها به پلی ارتباطی جهت نفوذ این تفکرات به عراق تبدیل شد.

- سوم: شعله ور گشتن و پیروزی انقلاب اکتبر، نقطه‌ی عطف عظیمی هم برای جهانی شدن تفکرات کمونیستی و هم برای نشان دادن کمونیسم و سوسیالیسم به عنوان نور امیدی - هر چند ضعیف - به مردم کشورهای آسیا، از جمله عراق، بود.

- چهارم: یهودیانی که در مصر، فلسطین و عراق زندگی می‌کردند، به طور انفرادی در صفوف اولین نسل سوسیالیست‌هایی قرار داشتند که زیربنای تفکرات کمونیستی معمول آن زمان را در کشورهای مذکور

اشاعه می‌دادند. به همین دلیل هم اولین تشکلات کمونیستی کشورهای عربی تحت نظر کمیترون در فلسطین به وسیله‌ی فعالین کمونیستی یهودی در اوایل دهه‌ی بیست قرن گذشته پایه گذاری شد.

- پنجم: هنگامی که مردم ارامنه از سوی کمالیست‌ها در ترکیه قلع و قمع شدند، بخش قابل ملاحظه‌ای از آنان به عراق روی آوردند و در شهرهای مختلف آن سکنی گزیدند. برای مدت‌ها ارامنه، که کمونیسم در میان آن‌ها نفوذی داشت، تشکیلاتی به نام «هاشناق» داشتند، که هدف آن ایجاد کشور سوسیالیستی ارمنستان در این دو کشور بود. پرونده‌های پلیس عراق در دهه‌های بیست و سی قرن گذشته حاوی اطلاعات بسیاری در مورد فعالیت‌های شخصی ارمنی به نام ارسین کیدور می‌باشد، که یکی از رهبران «هاشناق» بود. وی به عراق گریخته بود و در ظهور کمونیسم در عراق نقش داشت.

اسناد دفتر مشرق زمین وزارت خارجه بریتانیا، مواد و ماتریال ارزنده‌ای برای درک وضعیت عراق در آن زمان هستند. در یکی از این اسناد آمده است، که روزنامه‌ی «المفید» عراق در شماره‌ی ۹۵ به تاریخ یازدهم اگوست ۱۹۲۰، در صفحات ۱۷-۱۸، اعلام کرده است: به زودی یک

حزب کارگری پا به عرصه‌ی وجود خواهد گذاشت. (حنا بطاطو: العراق، ترجمه عقیف الرزاز، صفحات ۱۷-۱۸) شاید تشکیل «سازمان آزادی خواهان»، که در میان هواداران آن به عنوان «سازمان آزادی خواه غیرمذهبی» شناخته می‌شد، که در سال ۱۹۲۶ به عنوان ظهور گونه‌ای از تشکلات سوسیالیستی شناخته شده است، متحقق شدن عملی این پیش بینی روزنامه‌ی «المفید» باشد.

در بین سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۳۰، هم به دلیل تغییر و تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در عراق و هم به دلیل ثبات نسبی سیستم شوروی در آن هنگام - به ویژه که پس از شکست انقلاب آلمان و رکودی که در پی آن بر اروپا مستولی

شد، کمینترن به دخالت سیاسی در کشورهای آسیایی اهمیت می‌داد - در عراق نیز تفکرات کمونیستی خصوصا در شهرهای بزرگ آن هم چون بغداد و بصره به جریانی مبدل شد، که هر چه بیش تر سر بر می‌آورد و با مشخصه‌های ویژه‌ی آن قابل شناسایی بود.

ده سال مذکور با پایه ریزی و ظهور پروژه‌های گوناگون و بزرگ اقتصادی در عراق هم زمان بود. در سال ۱۹۲۷، در شهر کرکوک، نفت کشف شد و حفاری و تولید آن از سوی انگلستان شروع گشت. در بندر بصره و در خطوط راه آهن، هزاران کارگر استخدام شدند. ارتباط بازار عراق با سرمایه‌ی اروپایی، تغییر و تحول در مناسبات تولیدی، و توسعه‌ی تولید مانوفاکتوری به تولید کارخانه‌های مدرن

و بزرگ، به واقعیت مملو از تغییر و تحول آن زمان مبدل شدند. در دهه‌ی سی دیگر طبقه‌ی کارگر عراق به عنوان طبقه‌ای با سیمای اجتماعی متفاوت، نه تنها به یک پدیده‌ی برجسته‌ی عراق مبدل شده بود، بلکه تحولات سیاسی نیز در صفوف آن آغاز شده بود که در پاراگراف‌های بعدی به آن خواهیم پرداخت. اما در دهه‌ی بیست یک جنبش سیاسی و فکری در میان روشن

فکران عراق آغاز شد، که با موجودیت و فعالیت طبقه‌ی کارگر ارتباطی نداشت. سر برافراشتن این جنبش منجر به ایجاد گروه‌ها و تجمعات مختلف سیاسی و هسته‌های سوسیالیستی متفاوت شد. البته در میان این تجمعات و گروه‌ها، تفکرات و ادراکات متفاوتی در مورد کمونیسم وجود داشتند. به عنوان مثال: در سال ۱۹۲۴ یک گروه مخفی از میان آن‌ها، به نام «حزب مخفی عراق»، افراد مسلح خود را به قصد مصادره‌ی پول نزد متمکین و ثروت‌مندان بغداد می‌فرستادند و آن‌ها را تهدید می‌کردند. در یکی از نامه‌هایی که از سوی «کمیته‌ی علیا» امضا شده است، این گونه آمده: «طبقه‌ی ثروت مند هیچ گونه خاصیتی ندارد»، به همین

دلیل چندین ثروت مند عراقی در آن زمان عراق را به قصد لبنان ترک کردند. (همان منبع، صفحه‌ی ۳۹)

واضح است، که این یکی از نتایج درک ساده و سطحی بودن هواداران گروه مذکور در مورد مبارزه‌ی طبقاتی و سوسیالیسم - به مثابه پدیده‌ای ابتدایی از ظهور کمونیسم همانند یک تفکر نوین - بود. در سطحی عالی تر و متکامل تر، اولین گروه مارکسیستی در سال ۱۹۲۴ ایجاد شد، که حسین الرحال چهره‌ی اصلی آن به شمار می‌رفت. وی در برلین تحصیل کرده بود و در سال ۱۹۱۹ شدیداً تحت تاثیر قیام اسپارتاکیست‌های آلمان قرار گرفته بود.

این مرحله از زندگی سیاسی در عراق - علی رغم آغاز تغییر و تحول در مناسبات تولید



اجتماعی به سوی پیدایش سرمایه داری و پیوند آن با سرمایه‌ی اروپایی - در عین حال با پیدایش سکولاریسم و قشر متوسط و انتلجنسیا، و به حاشیه افتادن اسلام و تفکرات سنتی، نیز هم زمان بود.

گروه‌ها و تجمعات مارکسیستی‌یی که بیش تر سرگرم کار تئوریک و تحلیل‌های فکری بودند، از طریق مباحث و مطالب The Labor Monthly (ماهنامه‌ی حزب کمونیست بریتانیا) عمدتاً تحت تاثیر خط فکری و سیاسی‌یی قرار می‌گرفتند، که این حزب دنبال می‌کرد. حنا بطاطو، نویسنده‌ی نادرترین کتاب در مورد تاریخ سیاسی عراق در دوره‌ی پادشاهی و جمهوری و حزب شیوعی، به نقل از حسین الرحال می‌نویسد: «نشریه‌ی مذکور بر خلاف

سایر نشریات، شدیداً به امپریالیسم حمله می‌کرد و این هم با روحیات آن زمان منطبق بود.» (صفحه‌ی ۴۲) در سال ۱۹۲۴، به منظور اشاعه‌ی تفکرات این گروه، نشریه‌ی «ژورنال‌لیسم - الصحافه» به چاپ رسید. از آن جا که این نشریه به صورت علنی منتشر می‌شد، برای رد گم کردن و خلاصی از تعقیب پلیس، این گروه از اصطلاح «ماتریالیسم تاریخی» به جای مارکسیسم استفاده می‌کرد.

البته گروه مذکور دارای پلاتفرم و برنامه‌ی سیاسی و تشکیلات حزبی نبود، بلکه اشاعه‌ی تفکرات خود را در اولویت قرار داده بود.

غیر از مسایل مربوط به اختلاف طبقاتی و تقابل با طبقه‌ی ثروت مند، این گروه بر روی دو مساله‌ی اصلی - ستم جنسی و انتقاد از اسلام - تاکید داشت. به همین دلیل هم سریعاً مورد حملات نیروهای سنی و هواداران اسلام قرار گرفت و فتوای «ملحد و خدانشناس» از بلندگوهای مساجد بغداد علیه آن صادر شد.

سیما و خصلت فکری، تئوریک و سیاسی گروه «الرحال» و دیگر گروه‌های مشابه در آن دوره، بسیار ناروشن و گنگ بود و به همین دلیل هم پس از ممنوع شدن نشریه‌ی این گروه و علی رغم تاکید

حسین الرحال بر مارکسیسم، وی هم راه با چند تن از شخصیت‌های مشابه خود و هم چنین تعدادی از ناسیونالیست‌های عرب، در سال ۱۹۲۶ «کلوب هم بستگی» را بنیاد گذاشتند، که نقشی فعال در فعل و انفعالات سیاسی در آن سال‌ها ایفا کرد. ترکیب این گروه عمدتاً شامل دانش‌آموزان می‌شد. تاثیر حسین الرحال بر این گروه مشهود بود، زیرا «دفتر ویژه‌ی بریتانیا»، که ارگان اطلاعاتی بریتانیا در آن سال‌ها بود، در گزارشی آورده است: «این کلوب در واقع با شور و شوق سرگرم تشویق و ترغیب سوسیالیسم در عراق است و رهبران آن با انترناسیونال سوم ارتباط دارند.» (صفحه‌ی ۴۷-۴۸) در اواخر دهه‌ی بیست دیگر اثری از

هر دو گروه «الرحال» و «کلوپ هم بستگی» باقی نمانده بود، اما فعالیت در میان روشن فکران پر جوش و خروش عراق - خصوصاً در بغداد و بصره - نه تنها فروکش نکرده بود، بلکه به مرحله بالاتری نیز ارتقا یافته بود.

مرحله‌ی ظهور سوسیالیسم و «شیوعیت» در عراق، از نظر تاریخی به ظهور و گسترش قشر متوسط جامعه‌ی عراق گره خورده است؛ هر چند که پایگاه مادی آن بر اساس ظهور اولیه‌ی مناسبات سرمایه داری و تولید کالایی و ارتباط اقتصاد عراق با اقتصاد جهان سرمایه داری بوده است. این مساله نه تنها یکی از نقاط کلیدی برای درک معضلات کمونیسم در آن مقطع و مراحل پس از آن در عراق است، بلکه با تعمق در این مساله قادر خواهیم شد نقش روشن فکر انقلابی چپ و مارکسیست را در مراحل ۱۹۷۰-۱۹۸۰ در درون جنبش کمونیستی کردستان هم بهتر بشناسیم، البته بدون آن که بخواهیم تجربه‌ی مرحله‌ی اول آن در سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۳۰ را کپی کنیم.

باید این واقعیت را قاطعانه ابراز کرد، که اگر چه ظهور کمونیسم در عراق - مانند بسیاری از کشورهای مشابه آن - می‌باید به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، بر اساس تغییرات اقتصادی به سوی سرمایه داری مورد بررسی قرار گیرد، اما چند فاکتور مهم در روایت بورژوازی و ملی - رفرمیستی از کمونیسم از همان ابتدا نقش ایفا کردند:

۱- طلوع کمونیسم در عراق - یعنی ابتدای ظهور و معرفی و پایه ریزی مبانی فکری آن - در چهارچوب مقولات و مفاهیمی بود، که کمیت‌ترین در دهه‌ی بیست اشاعه می‌داد. این مفاهیم عبارت بودند از حفظ نقش مرکزی شوروی و دفاع از استراتژی «ایجاد سوسیالیسم در یک کشور» و مقید کردن کمونیسم در جهان در جهت تبعیت از استراتژی مذکور؛ علاوه بر آن، یک سری سیاست‌ها و ترزا و مقولاتی که کمیت‌ترین برای خدمت به همان افق سیاسی در کشورهای آسیایی - که در آستانه‌ی تغییر به سوی سرمایه داری بودند - اشاعه و ترویج می‌داد، در عین حال به مرکز اختلافات کشورهای سرمایه داری اروپا برای اشغال و الحاق آن‌ها به اروپا و کشورهایشان مبدل شده بودند.

در این جا واقعیتی موجود است که باید آن را ذکر کرد: وقتی می‌گوییم آن مدلی از کمونیسم که در دهه‌ی سی در عراق اشاعه یافت، بخشی از سیستم تئوریک و فکری مسلط در شوروی آن زمان بود، به معنای این نیست که دلیل آن را یک جانبه چنان تلقی کنیم که شوروی دژ کمونیسم در آن زمان بود؛ چنان که این امر به سلاح کمیت‌ترین برای پخش این روند فکری مبدل شده بود و این چهره را به جنبش کمونیستی در عراق القا کرده بود. مساله مقداری از یک پروسه‌ی یک جانبه‌ی ترویج ساده و عریان یک تفکر ظریف‌تر است. کمونیسم در عراق در نتیجه‌ی رشد مبارزه‌ی طبقاتی در محدوده‌ی عراق پا به عرصه‌ی وجود نگذاشت، بلکه به مثابه یک تفکر جهانی در عراق نیز دارای طرف دارانی شد. اما بدون شک این هواداری از کمونیسم عاری از پایگاه طبقاتی نبود. به این ترتیب، رهبران کارگری و فعالین آزادی خواه و سوسیالیست در عراق، در دهه‌ی سی قرن گذشته، از همان ابتدای ورودشان به جهان سیاست خود را در مقابل مجموعه‌ای از تفکرات و ترزا و تئوری‌هایی می‌یافتند که قبلاً فرموله شده و از یک حمایت پر قدرت جهانی نیز برخوردار بودند.

۲- همان گونه که قبلاً نیز خاطر نشان کردم، من معتقدم که تفکرات طبقاتی - هم بورژوازی و هم کارگری - قبل از رشد عینی خود این طبقات وارد عراق شدند؛ زیرا که هم زمان با امپریالیسم و جهانی شدن سرمایه این تغییرات روی دادند. این امر نیز تأثیرات چند جانبه‌ای بر کمونیسم در عراق داشت، که عموماً منفی بودند. به ویژه اگر عراق را در اواخر دهه‌ی بیست در نظر بگیریم و واقف به این امر باشیم، که کدامین افق سیاسی و درک تئوریک در مورد کمونیسم در آن دوره رواج داشت.

۳- در آن مرحله، و حتا مدت‌ها پس از آن نیز، ظهور کمونیسم در عراق به دلیل ترکیب اجتماعی عراق، روشن فکران اقشار متوسط و به طور عموم انتلجنسیا نقش اصلی را در بنیاد نهادن تفکرات بورژوازی و هم چنین کارگری و جناح چپ آن قشر را داشتند و عملاً به مبلغ و پایه گذار داخلی کمونیسم مبدل شدند. به دلیل گسترش جنبش ملی و ضد

استعماری و به دلیل ضعف طبقه‌ی بورژوازی در متحقق ساختن آمال و اهداف تقلیدی خود در چهارچوب صنعتی کردن و استقلال - و به طور عام در چهارچوب تغییر رادیکالی جامعه - از نظر اجتماعی و سیاسی به گونه‌ای که با تغییرات بنیادینی که روی می‌دادند هم سو باشد، و نیز به دلیل ضعف کارگران به مثابه طبقه‌ای نوین، نقش روشن فکران قشر متوسط جامعه در این میان دو چندان عمده می‌گشت. اینان جامعه‌ی چپ و سوسیالیستی به افق‌های فکری و سیاسی خود می‌پوشاندند و به این ترتیب، قادر می‌شدند با استفاده از جو فکری و سیاسی جهانی بی که بر کمونیسم مسلط بود، کمونیسم و سوسیالیسم را به ابزار تحقق این روند مبدل سازند و طبقه‌ی کارگر را نیز از همان ابتدا با این روند وفق دهند.

بنا به این بحث مختصر، مشخص می‌شود که ظهور و پیدایش کمونیسم و تفکرات سوسیالیستی مدرن در عراق، از سویی شدیداً تحت تأثیر وضعیت جنبش کمونیستی جهان آن زمان و از سویی دیگر تحت تأثیر تغییر و تحولات دهه‌ی بیست قرن گذشته خود جامعه‌ی عراق قرار داشت. پیدایش کمونیسم در عراق هم چنین تحت تأثیر آمال و اهداف بورژوازی ملی قرار داشت و انتلجنسیای سیاسی و قشر روشن فکران آن دوره نقش عمده‌ای در فرموله کردن اشاعه تفکرات سوسیالیستی در عراق داشتند.

آگوست ۲۰۰۷

